

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال بیستم، شماره هشتم

زمستان ۱۳۹۸

تقدیرگرایی و رواداری؛ دو شبکه اعتقادی باورساز در عصر تکوین دولت عثمانی
(۸۰۴-۷۱۶ ق)

تاریخ تأیید: ۹۸/۱۰/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۳

احمد فلاح زاده^۱

منحنی قدرت در دولت عثمانی با پیش از شش سده حکومت در فرآیندی زمان‌بر و چند لایه، این سلسله را از امارتی ترکی به دولتی اسلامی تبدیل کرد. گسترش فتوحات عثمانی از آغاز کار عثمان (۷۱۶ ق) تا پایان کار بایزید (۸۰۴ ق) موضوع اصلی این پژوهش است. پرسش این مقاله، بررسی شبکه اعتقادی - رفتاری یاری‌کننده عثمانی در عصر این فتوحات است که با بهره‌گیری از روش مطالعات نگره‌های اعتقادی و رفتارشناسی سیاسی به سامان می‌رسد. یافته‌ها نشان می‌دهند در مسیر فرآیند تبدیلی، ویژگی تقدیرگرایی و رواداری، مانند دو شبکه باورساز سیاسی - اجتماعی، جایگاه متمایزی در فتوحات سریع عثمانی داشتند. هم‌چنین، سیاست تسامح دینی به ضمیمه اندیشه تقدیرگرایی مسیحیان شرقی، مقدمه‌ای بر فتح قلمروی بیزانس بود و رواداری عثمانی به عنوان گفتمان رفتاری این دولت سبب سرعت گسترش حکومت عثمانی شد.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دکترای تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران:

(ahram12772@yahoo.com)

کلیدواژگان: رواداری، تقدیرگرایی، فتوحات عثمانی، الاهیات ارتدکسی، تکوین دولت.

۱. پیش سخن

دولت عثمانی که از یک کوچ ساده ایلی به امید یافتن جایی برای در امان ماندن از مغولان، کارش را آغاز کرد^۱ در قالب اندیشه غازی‌گری که در ابتدا، تصویری مقدس از دین و دولت برای حاکمان مرزی و عالمان مسلمان ایجاد می‌کرد، در آن سوی مرزها؛ یعنی جامعه بیزانس، با یکسری رویدادهای ناخواسته روبه‌رو شد که به تدریج باورهای خاصی را در آن نهادینه کرد.

نقش رویکرد فلسفی سرنوشت باور در کلیسا که یادگار یک دوره طولانی شکست در جنگ‌های صلیبی بود و حضور طولانی دولت جهاد، نهاد سلجوقی در قلمروهای تصرف شده بیزانس، تفسیری از اسلام صوفی را پدید آورد که جهاد در حد تشکیل یک پایگاه اسلامی در آن مهم بود.

دوره نخست این روند، با عنوان معنوی غزا، ضمن عبور از سلسله ساختارهای غازی‌گری، بیگی، امارت تا رسیدن به دولت، محدوده زمانی نزدیک به یک سده را گذراند.^۲ پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که کدام یک از مفاهیم دینی و سنت‌های اخلاقی به گسترش سریع فتوحات عثمانی در دوره تکوین یاری رساند؟ در این پژوهش زمینه‌ها، عوامل و پی‌آمدهای دو جریان تقدیرگرایی و رواداری در عصر تکوین دولت عثمانی (۸۰۴-۷۱۶ق) بازکاوی می‌گردد.

۱. شرف، تاریخ دولت عثمانیه، ص ۷۶.

۲. ر.ک: فلاح زاده، «روند شکل‌گیری عثمانی در روزگار تکوین (۷۱۶-۸۰۴ق)؛ از غازی‌گری تا دولت‌یابی»، تاریخ اسلام، ش ۷۶، ص ۲۷۳.

۲. پیشینه بحث

درباره موضوع تقدیرگرایی در بیزانس، نوشته مستقلی در باب نقش این تقدیرگرایی در توسعه سازمان حکومت عثمانی در دست نیست.^۱ با این حال، شماری از مطالعاتی که تا حدودی شباهت موضوعی به این بحث دارند در این فهرست می‌گنجد.

کارن بارکی^۲ در مقاله خویش^۳، تسامح دینی عثمانی و رواداری اسلامی را با رویکرد ملت‌گرایی و در قالب نامیدن عثمانی به اسلام ارتدکس سنی بررسی می‌کند و گزارش‌های آن به پس از حمله تیمور به آناتولی باز می‌گردد.

هم‌چنین، مَمَت یتشگین^۴ در نوشته خویش^۵ با رویکرد ملت‌گرایی به تسامح در عثمانی در دوره‌های پسین این دولت می‌پردازد. در ادامه رسول آئی^۶ در مقاله خویش^۷ با آن که به باورهای مشترک منتقل شده از بیزانس به عثمانی می‌پردازد، اما اشاره‌ای به تقدیرگرایی نمی‌کند.

۱. دیدگاهی معتقد است که دولت عثمانی در دوره‌های دیگر با درگیر کردن ارتدکس‌ها و کاتولیک‌ها با یکدیگر و تعریف خاصی که از ایمان ارائه کرد، موفق شد، دولت خویش را بگستراند. ر.ک:

Elif bayraktar, The Implementation of Ottoman Religious Policies in Crete 1645-1735: Men of Faith as Actors in the Kad Court.

2. Karen Barkey .

3. Islam and toleration: studying the ottoman imperial model.

4. Memet Yetişgin .

5. The Ottoman Way of Governing Multi-Ethnic and Multi-Religious Communities.

6. Resul Ay .

7. Bizans'tan Osmanlıya Anadolu'da Heterodoks İnanışlar: 'Oteki' Dindarlığın Ortak Doğası Üzerine (650-1600).

هم‌چنین، ماریان. ج. سیمون در مقاله خویش^۱ با وجود اشاره به هفت عامل اثر گذار در ضعف بیزانس، نامی از تقدیرگرایی نمی‌برد. در این میان، دیوید اماند^۲ با کتاب *تقدیرگرایی و لیبرالیت* در *یونان باستان*^۳ شرحی بر نظریه تقدیرگرایی در یونان، مانند پیش‌گامی بر نظریه تقدیرگرایی در روم شرقی ارائه می‌دهد.

هم‌چنین، در حوزه الهیات ارتدوکسی، می‌توان از مقاله *تقدیرگرایی در اندیشه متقدم غربی* نوشته مجتبی کمیلی نام برد که تاریخچه‌ای از این باور در روزگار نزدیک به عثمانی را به دست می‌دهد. در ادامه، Donald m.nicol در کتاب خویش^۴ شکست بیزانس و درگیری‌های درونی این دولت را در این دوران منعکس می‌کند.

۳. عثمانی؛ گذری کوتاه بر رویدادهای دوران تکوین دولت

در نگاه بیشتر مورخان، تاریخ برآمدن عثمانیان بر مبنای آغاز کار عثمان در سال ۷۲۱ ق/ ۱۲۹۹ م است، اما برخی، این سلسله را متولد میانه سال‌های ۶۷۹ تا ۷۲۴ ق^۵ و بعضی پایه گذاری نظامی آن را در سال ۶۹۹ ق/ ۱۳۰۰ م می‌دانند. گروهی از نویسندگان، دوران تکوین دولت در عثمانی را سه دوره حکومت آرطغرل (۶۷۹ ق/ ۱۲۸۰ م)، عثمان (۷۲۶ ق/ ۱۳۲۴ م) و اورخان (۷۶۴ ق/ ۱۳۶۲ م) می‌دانند.^۶

1. Seven factors of ambivalence in defining a just war theory in eastern Christianity.
2. David Amand .
3. Fatalisme et Liberte dans L' Antiquite Grecque .
4. The last centuries of Byzantium 1261-1453.
5. Berkat, Osmanl imparatorluğu, s 27.
6. Uyar, A Military history of the ottomans From Osman to Atatürk, p 1.
7. Kurtaran, Bir imparatorlu İR İmparatorluğun doğuşu osmanli kuruluş dönemi, s 247.

این در حالی است که عصر مراد (ح ۷۶۱-۷۹۱ق) با فتوحات اروپایی^۱ و پایه گذاری نظام قاضی عسکر^۲، فرمان خمس غنائیم^۳، پیمان بالکان^۴ و فتح مرکز روم ایلی، دوره ای پر آوازه در تاریخ عثمانی است.^۵ پس از او، بایزید (ح ۷۹۱-۸۰۵ق) با سیاست فتوحات^۶ و گسترش آن در بلغارستان^۷ در این دوره جای می گیرد. بایزید با حمله به امیرنشین های آناتولی^۸، پای تیمور را به آناتولی باز کرد^۹ و در نبرد ۸۰۴ ق / ۱۴۰۲ م از او شکست خورد و اسیر شد. این واقعه، آغاز دوران فترت در عثمانی و پایان عصر تکوین این سلسله گردید.

۴. نظریه تقدیرگرایی در بیژانس؛ بررسی یک اعتقاد در الهیات ارتدکسی

ارتدکس^{۱۰} به معنای راست کیش^{۱۱}، سرشاخه ای اصلی از مسیحیت بود که در قالب دو قطبی دولت- کلیسا و نظامی جدید از قدرت سیاسی- دینی درهم تنیده ای، قرن ها در

۱. واله قزوینی، خلد برین، ص ۳۷۵؛ نوایی، اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه اسماعیل، ص ۲۵.

۲. در زبان ترکی دو واژه Kazasker و kad asker برای این معنا به کار رفته است.

3. Gençer, s 47.

4. Ágoston, Encyclopedia of the OTTOMAN empire, p398-399.

۵. غفاری کاشانی، تاریخ نگارستان، ص ۱۳۷.

6. berkat, s 28.

7. Daş, saint-denis ruhban n n kroniği adl frans z kaynağ na göre niğbolu savaşı , s 74.

۸. در این باره ر.ک: رفیعی، تیمور، «علل سیاسی بروز جنگ آنقره (۸۰۴/۱۴۰۲) میان امیر تیمور گورکانی و ایلدرم بایزید عثمانی»، فصلنامه تاریخ.

9. Itzkowitz, s 41.

10. Orthodox.

۱۱. رسول زاده، شناخت مسیحیت، ص ۲۹۵.

بیزانس حکومت می‌کرد.^۱ چیزی که بعدها به جنگ‌های بیزانسی-عثمانی، صورتی از رقابت دو امپراتور بخشید.^۲

بدین معنا که مسیحیان راه نجات امپراتوری را جنگ برای بیزانس می‌دانستند تا نبردی دینی برای دفاع از کلیسا^۳ اما نکته اساسی، ماجرای جدایی کلیسای شرق از غرب در سال ۱۰۵۴م/۴۳۲ق بود که شاخه شرقی مسیحیت به نام ارتدکس با باورهای متفاوت از کلیسای کاتولیک، جدایی خود را از آن اعلام کرد.^۴

پیشینه این جدایی به سال‌های ۳۲۵ میلادی باز می‌گردد^۵ که پس از جدایی، حاکمان بیزانس تا زمان فتح قسطنطنیه به وسیله ترک‌ها برای برقراری ارتباط و وحدت میان شرق و غرب بسیار کوشیدند، اما این تلاش‌ها سبب همراهی روحانیان و معتقدان کلیسای ارتدکس نشد.^۶

کمی بعد با تحریک کلیسای کاتولیک، ونیزی‌های مخالف بیزانس در سال ۶۰۰ ق/۱۲۰۴م به قسطنطنیه تاختند و آن را فتح کردند. این حمله کشمکش‌های درونی مسیحیان ارتدکس و کاتولیک را در شرق دنیای مسیحیت آشکار کرد و پاپ با این سخن

1. Meyendorff, Excerpts from "Byzantine Theology" Historical trends and doctrinal themes, p 65.

2. Simion, Seven factors of ambivalence in defining a just war theory in eastern Christianity, p 539.

۳. همان.

۴. رسول زاده، شناخت مسیحیت، ص ۱۷.

5. Yalduz, Konsillerin H ristiyani k Tarihindeki Yeri ve İznik Konsili, s 257.

۶. لاجوردی، «بررسی مبانی اعتقادی و آئینی در کلیسای ارتدکس»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، ش ۵، ص ۱۴۵-۱۴۶.

که گرایش ارتدوکسی‌های بیزانسی به مذهب کاتولیک، کار خدا بوده است، گونه‌ای سیاسی از تقدیرگرایی در الهیات مسیحی را آشکار کرد.^۱

این سخن نشان دهنده امتداد تقدیرگرایی در ادامه اندیشه جبرگرایی یونانی بود که اکنون صورتی نو می‌یافت.^۲ جالب آن که جدایی دو کلیسای کاتولیک- ارتدکس از یکدیگر از محدوده باورها به حوزه آداب و رسوم راه یافته بود و در کنار ستیزهای آیینی، شورش‌های درونی بیزانس درست هم‌زمان با حمله مغول در ایران، مانند قیام نقیه در سال ۱۲۵۸م/ ۶۵۶ ق و چهار سال پس از آن، قیام دهقانان، درون‌مایه‌ای آشفته از یک امپراتوری را ارائه می‌کرد.^۳

از سوی دیگر، یکی از ویژگی‌های کلیسای شرقی، تدراک نظام کلیسا- دولت به معنای فاصله گرفتن از ساختار حکومت بیزانس و نوعی استقلال درونی کلیسا بود.^۴ بنابراین، تقدیرگرایی از مسیر اعتقاد به سپردن سرنوشت انسان‌ها به سه الهه باستانی یونان آغاز شد و با دگرگونی در مفاهیم به دنیای مسیحیت بیزانس راه یافت.^۵ اعتقادات جبری از مسیر فیلسوفان یونانی، جایی را در فلسفه مسیحی باز کرد و یوحنا دمشقی^۶ (د. ۷۰۰م) این مفاهیم را رونق داد.^۷

1. Vassilios, The contribution of byzantine priests in astronomy and cosmology II. Great church scholars in the early byzantine empire, p 41.

۲. همان.

3. Seidler, G. L., Bizans Siyasal Dü şü ncesi, Çeviren Mete Tunçay, s 45.

4. Simon, P 111.

5. Ruii, Is fatalism a cultural belief? Anempirical analysis on the origin offatalistic tendencies, p 4.

6. John Damascene.

7. Theodosion, dimitrijevic, p 41.

برخی بر این باور هستند که تقدیرگرایی در یونان با آموزه‌های اخلاقی رواقیان^۱ آغاز شده بود. در معتقدات رواقیان، خدا در طبیعت حلول کرده بود، هستی هیچ اختیاری از خود نداشت^۲ و انسان‌ها باید رنج‌هایی را بدون اراده و خواست خود تحمل می‌کردند و آن را به عنوان تقدیر خویش می‌پذیرفتند.^۳ گفتمان رواقی در بخش باورهای مشیتی، حوادث را دور از اختیار انسان می‌دانست و آدمی را ناتوان در اثرگذاری بر آن می‌دید^۴ و این اعتقادات را در جامعه نشر می‌داد.^۵

با این حال، دیدگاه دیگری بر این باور بود که اولین بار، الهیات شناسی به نام ترتولیانوس^۶، چنین آموزه‌ای را در مخالفت با فلاسفه رواقی وارد مسیحیت کرد.^۷ در اعتقاد او، خدا بر اساس طرح و نقشه‌ای که در عقل دارد و مشیت خوانده می‌شود، جهان را می‌آفرید.^۸ این سخنان، رودر رویی وسیع عقل‌گرایی را در برابر مسیحیت نشان می‌دهد.^۹

ترتولیانوس، به عنوان پدر الهیات لاتینی غربی معتقد بود، یک رشته قوانینی در طبیعت است که آنها مخلوقات حاکم هستند و جایگاهی که یک موجود در عالم دارد بر اساس سنت تقدیر تعیین می‌شود. در دیدگاه او فرشتگان، انسان‌ها، حیوانات و سایر موجودات بر

۱. مکتب رواقی (Stoicism) مکتبی فلسفی است که ۳۰۱ سال قبل از میلاد در شهر آتن شکل گرفت.

۲. اخوان، «حرکت و اخلاق در فلسفه رواقی»، اندیشه نوین دینی، ش ۶ و ۷، ص ۳۴.

۳. گندمی نصرآبادی، «نگاهی نو به دیدگاه ترتولیان درباره ایمان و عقلانیت»، فلسفه دین، ش ۱، ص ۱۱۷.

۴. بریه، تاریخ فلسفه در دوره انتشار فرهنگ یونانی و رومی، ج ۲، ص ۶۷.

۵. دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۹۲.

۶. این باور مستند به شخصی به نام ترتولیانوس (۱۵۵-۲۴۰م)، Tertullianus در امپراتوری روم بود که در مطالعات جدید، وی را ترتولیان می‌نامند. گاهی منظور از ترتولیان، هواداران فکری ترتولیانوس است.

۷. گندمی نصرآبادی، «نگاهی نو به دیدگاه ترتولیان درباره ایمان و عقلانیت»، فلسفه دین، ش ۱، ص ۱۱۷.

۸. همان.

۹. همان.

اساس این تقدیر عمل می‌کردند. در باور او برای موجود مجبور، پاداش و عقاب معنا نداشت.^۱

در کشمکش نظریه‌ها، باور عامیانه تأثیر ستاره‌ها و شیاطین بر سرنوشت آدمی، یکی از ویژگی‌های دوره اول تقدیرگرایی در الهیات مسیحی بود.^۲ تقدیرگرایی در سراسر جامعه شهری و روستایی بیزانس، اندیشه‌ای یک‌دست نبود؛ زیرا این باور، تحت تأثیر مناسبات افراد با کلیسا یا پیوند آنها با دربار و نوع شخصیت و فکر هر فرد می‌توانست، برداشت‌های متنوعی از یک اعتقاد را به همراه داشته باشد.

در آن روزگار، عقاید گروه‌های دیگری در جامعه بیزانس با سایر جماعت‌های دینی ناهم‌خوان بود. سه گروه پائولیکان‌ها، توندراکی‌ها، بوگومیل‌ها^۳ به همراه زرتشتیان، گنوسی‌ها و پرستندگان خورشید، ماه و طبیعت از این جمع هستند^۴ که محتوای فرقه‌ای ایشان در منظومه هندسه باور سپردن کار به دست تقدیر بود.^۵

پس از ترتولیانس، دیگر الهی دانانی مانند اگوستین^۶ این اندیشه را نشر دادند. او مشاهده کرد که اگر اختیار انسان را طرح کند، ممکن است سبب تحت الشعاع قرار گرفتن آموزه بنیادین گناه نخستین^۷ شود. به این دلیل به شدت در این زمینه با آرای

۱. خوشقانی، «سرگذشت انسان از اختیار تا نجات (بررسی تطبیقی اختیار انسان از دیدگاه ایرنائوس و ترتولیان)»، الهیات تطبیقی، ش ۳، ص ۶۳.

2. Vanhaelen, Liberté, astrologie et fatalité : Marsile Ficin et le De fato de Plotin, P 15.

3. Ay, Bizans'tan Osmanlı ya Anadolu'da Heterodoks İnanışlar: 'Öteki' Dindarlığı'n Ortak Doğası Üzerine (650-1600), s 4.

۴. همان ص ۵.

۵. گراث، درآمدی بر الهیات مسیحی، ص ۶۷۹.

6. Augustinus.

۷. منظور از گناه نخستین، خوردن میوه درخت ممنوعه به وسیله آدم و حوا است.

پلاگیوس (۳۵۴-۴۱۸م)^۱ مخالفت کرد و بر تقدیرگرایی تأکید نمود. او معتقد بود که گناه، اختیار را از بین برده است.^۲ در قلمروی این باورهای کهن، آیین مانوی که آگوستین (۳۵۴-۴۳۰م) در ابتدا شیفته آن شد، مدعی نوعی تقدیر باوری، شامل حکومت تام خداوند بود که منکر آزادی انسان به شمار می‌رفت.^۳

پیش‌تر، ترتولیانس اصطلاح اراده آزاد را که از رواقیان به عاریت گرفته شده بود در محافل مسیحی انتشار می‌داد.^۴ اکنون در حالی ذهنیت جبرگرا که مقدمه تقدیرگرایی بود در قلمروی بیزانس شکل می‌گرفت که در سرنوشت قسطنطنیه؛ یعنی پایتخت بیزانس تأثیرگذار بود.^۵ در واقع، واگذاری امور به قضا و قدر، امری ناگسستنی از این الهیات بود؛ زیرا جبر، گوی سبقت را از اندیشه‌های مخالف ربوده بود و سرنوشت محتوم را پذیرفته بود. در معنویت ارتدوکس، پیش‌بینی مبارزه‌ای، بین میزان تقدیرگرایی و امید مسیحی امری دور از دست‌رس نبود، چیزی که تعریف خاصی به مرگ می‌بخشید.^۶

در آن سو، طرح مباحث اعتقادی و شرح و گسترش آن به وسیله دیگر شاگردان مکتب تقدیرگرایی، به همراه شکست مسیحیان در آخرین جنگ صلیبی در سال ۶۸۸ ق/ ۱۲۹۰م؛ یعنی ده سال پیش از آغاز کار عثمان، زمینه را برای باور به تقدیرگرایی هموار نمود.^۷ با شکست‌های پی در پی و نزول بلاهای گوناگون، جامعه مسیحی به این باور رسیده بود که تقدیر او در جنگ با مسلمانان، شکست است. چنین باوری در پیش‌روی عثمانیان کارگر

1. Pelagius.

۲. گراث، همان، ص ۴۷۳.

۳. همان.

۴. همان.

5. Chadwick, The Byzantine Empire, 151-152.

6. Simion, p 126.

7. Sanchez, history and praxis of eastern orthodoxy, p 207.

افتاد و شکاف آشکاری میان دو شاخه مسیحیت غرب (کاتولیک) و شرق (ارتدکس) ایجاد کرد.^۱

پیش از ظهور عثمانی، شماری از دانشمندان علوم دینی با نظریه‌پردازی‌های خاص به یاری نظریه تقدیرگرایی آمدند و زمینه حضور عثمانیان را فراهم کردند. دانز اسکوتس^۲ (۱۳۰۸م/۷۰۷ق) متأله سرشناس، توانست بخش عمده جهان شرق مسیحی را این گونه تحت تأثیر قرار دهد که تقدم اراده الهی بر حکمت الهی، اندیشه‌ای راستین است.^۳ این نظریه ارتدکسی که انسان موجودی گناه کار است، آنها را از یک اختیار حقیقی در کارها باز می‌داشت.^۴ از این رو، بی‌گناهی ذاتی را ویژگی منحصر به فرد عیسی علیه السلام می‌دانستند^۵ و این گونه، به دنبال یک دنیای خالی از گناه، دست کم در ورای ذهن بودند.

در این میان، جامعه دهقانی بیزانس بر اساس جبرگرایی، سبک ساده‌ای از دین‌داری را تجربه کرد و رفتار حاکمان را پذیرفت.^۶ بر این اساس، نوعی اطاعت جبری نسبت به بیزانس در جان مسیحیان وارد شد.^۷ تقدیرگرایی تنها باوری رسمی در کلیسا نبود، بلکه این اعتقاد، امری بود که شماری از دولت‌ها، آن را مانند نظریه‌ای یک پارچه‌ساز برای حفظ

۱. همان.

۲. duns scouts.

۳. رسول زاده، شناخت مسیحیت، ۱۸۲.

۴. زیبایی نژاد، مسیحیت شناسی مقایسه‌ای، ص ۲۴۶.

۵. همان.

۶. Öztürk, Timar-Thema Teriminin Ortaya Çıkması, Bizans Uygulaması ve Osmanlı ile Mukayesesi, s 184.

۷. Arda, Bizans, Bir Ortaçağ İmparatorluğunun Şaşkıncu Yaşamı, s 197.

سلطنت و مالکیت، کنترل ارتش و تن دادن مردم به شرایط فعلی نشر می‌دادند و به کار می‌بستند.^۱

پذیرش این موضوع در کنار انزوا و چند دستگی‌های درونی بیزانس و تلاش روم غربی برای گسترش بازرگانی در رقابت با روم شرقی و آنچه کلیسای کاتولیک، آن را بدعت مخرب می‌نامید^۲ راه را برای ظهور قدرت‌مند عثمانی در سرزمین‌های بیزانس هموار کرد. با همه آنچه گذشت، روابط سیاسی و دینی میان کلیسای روم و قسطنطنیه، بسیار آشفته بود.^۳ ارمنی‌ها به عنوان جماعتی همیشه مخالف به آشفتگی اوضاع کمک می‌کردند.^۴ در این شرایط، آشفتگی اوضاع مسیحیان ضمیمه شده به عثمانی، نمونه‌ای از اعتقاد به آخر الزمان مسیحی را نزد هواداران کلیسا ارائه می‌کرد.^۵

بخشی دیگر از سازوکار تقدیرگرایی، باور به جایگاه ستارگان در سرنوشت انسان‌ها بود که قسمتی از گسترش این نظریه در میان شهروندان بیزانس، به اعتقاد امیران بیزانسی درباره اثرگذاری ستارگان در سرنوشت سلطنت باز می‌گردید.^۶ در کنار نظریه تقدیرگرایی، ستم حاکمان و نارضایتی مسیحیان بیزانس از تبعیض سبب شد شکست‌های خود را در بدشانسی متأثر از بی عدالتی حاکمان خویش جست‌وجو کنند.^۷ مردمی که حاکمان خویش

1. Ruiu, Is fatalism a cultural belief? Anempirical analysis on the origin of fatalistic tendencies. p 6.

2. Sanchez, p 208.

3. Hussey, The Orthodox Church in the Byzantine Empire, p 168.

۴. همان، ص ۱۵۰.

5. Hatzopoulos, Orzcular prophecy and the politics of toman rule in south-east Europe, p 97.

6. Demetra, ATwelfth-Century Defence and Refutation of Astrology, p 5-7.

7. berkat, s 45.

را ستمگرانی می‌دانستند که به تعالیم مسیح عمل نمی‌کنند، انگیزه خاصی برای دفاع از بیزانس در خود نمی‌دیدند.^۱

در این میان، کاتولیک‌ها تلاش می‌کردند با فراخوانی جهان مسیحیت، بیزانس را از دست عثمانیان به درآورند، اما این فرمان با عدم پذیرش ارتدکس‌ها فرجامی نداشت.^۲ رویارویی خود مقدس دانی کلیسای روم نسبت به کلیسای شرق در این رویداد بی‌تأثیر نبود.^۳ از سوی دیگر، هواداران کلیسای شرقی، مشیت الهی را فراتر از این می‌دانستند که سرزمین مقدس آنها برای همیشه در تصرف دیگران بماند.^۴ آنها معتقد بودند، پیروزی‌های عثمانی متأثر از گناه خود آنها است و توبه و بازگشت را سبب موقت بودن حکومت عثمانی بر سرزمین خویش می‌دانستند.^۵ البته، ناامیدی از راهبان مسیحی در میان اهالی بیزانس و غصب زمین‌های ایشان از سوی کلیسا، سبب سرگردانی آنها شده بود.^۶

برخلاف بسیاری از باورها، برخی از قبایل ترک در روزگار سلجوقیان، مسیحیت ارتدکس را پذیرفتند.^۷ نشانه‌های تقدیر باوری در میان ترکان؛ یعنی شمنیزم^۸ مشاهده می‌شود که صورتی کوچک از جبر پذیری و مکافات‌گرایی بود. آنها باور داشتند، هر آنچه

۱. همان.

2. Sanchez , p208.

3. Meyendorff, p 65.

4. William, p151.

5. Sanchez, p 210.

6. Yamanwr, Bizans ikonak r cl ğ ü zarinde bir inceleme III.leon ve ikonak r c l k, s 3.

7. Ekincikli, Tü rk ortodokslar, siyasal kitabevi, S 95.

8. Shamanism.

بر سر انسان می‌آید در اثر گناهی است که مرتکب شده است.^۱ با چنین پشتوانه فکری، یورش به سرزمین‌های دیگر، فرجام گناهان اهل آن دیار شمرده می‌شد.^۲

۵. نظریه مشترک شکست مقدر؛ بررسی زمینه‌ای دوره عثمانی

در قرآن کریم، سنت تقدیر شکست برای دشمنان اسلام به نیکی قابل مشاهده بود. مستند این ادعا، چند آیه از قرآن کریم؛ یعنی آیات صد و یازده آل عمران، پانزده انفال، بیست و دو فتح و دوازده حشر بود که آشکارا شکست را سرنوشت مخالفان مسلح اسلام معرفی می‌کردند. هم‌چنین، گروهی از آیات، به چرایی فرار و شکست دشمنان از مسلمانان می‌پرداختند و آن را در بیم و وحشتی می‌دیدند که خدا در دل دشمنان قرار می‌داد.^۳ جمع این آیات در کنار هم، امری به نام سرنوشت شکست در جبهه دشمن را تقدیر الهی می‌دانست.

روان‌شناسی جنگ نشانی داد، باور عمومی متأثر از شکست‌های پیاپی، مشربی به سوی تقدیرگرایی بود. چنان‌که پس از شکست‌های خوارزمشاهیان (ح ۴۹۱-۶۱۶ ق) در برابر مغولان (۶۱۶-۶۵۴ ق)، حتی مورخان عصر مغول، باور کرده بودند که سرنوشتی جز شکست ندارند.^۴ پیش‌تر در عصر فردوسی (۳۲۹-۴۱۶ ق) تقدیرگرایی برآمده از جامعه شکست خورده در برابر عربان به ادبیات راه یافته بود.^۵

1. Drury, S 30.

2. Inan, Tarihte ve bugün Şamanizm Materyaller ve araştırmalar, S 204-207.

۳. آل عمران: ۱۵۱؛ انفال: ۱۲؛ احزاب: ۲۶؛ حشر: ۲.

۴. شرفی، «بازتاب اندیشه مشیت الهی در تاریخ نگاری عصر ایلخانی»، جستارهای تاریخی، ش ۲، ص ۶۹.

۵. فرج نژاد «بررسی عنصر تقدیرگرایی در شاهنامه فردوسی و حماسه های مذهبی»، پژوهش نامه ادب حماسی، ش ۱۶، ص ۱۴۷-۱۷۲.

در فضای اجتماعی ایران عصر عثمانیان؛ یعنی در جامعه ایلخانی، نگرش به تقدیر الهی در میان ایرانیان به شدت رشد کرده بود^۱ و مغولان به عنوان دستان عذاب خدا، پذیرفته شده بودند.^۲ مشابه این اعتقاد در میان مسیحیان، نسبت به مجاهدان مسلمان عثمانی وجود داشت. آنان مجاهدان عثمانی را سربازان خشم خدا می خواندند.^۳ عبارت بنده پندار می کند و خدا تدبیر می کند،^۴ شاهدهی بر این نظریه است که در این دوره در میان مورخان بر سر زبان ها بود.^۵ حتی زمانی که تیمور لنگ (ح ۷۴۹-۷۸۳ق) با شعار راستی رستی از سوی مورخان مسلمان، مانند دست تقدیر پروردگار نامیده می شد، باز هم این نمونه دیگری از تقدیرگرایی بود که ظهور کرد.^۶

۶. چشم انداز نظریه شکست تقدیری در نبردهای عثمانی - بیزانس

پس از شکست امپراتوری بزرگ ساسانی (۲۲۴-۶۵۱م) از مسلمانان و کمی بعد، با رویکرد جهاد اسلامی به سوی بیزانس، باورها به سوی پذیرش دولتی بزرگ و اسلامی میل پیدا کرد و قدرت جدید مسلمانان در بیزانس رشد یافت.^۷ در این سو؛ یعنی در بیزانس باور

۱. غفاری، «تأثیرات روانی هجوم مغول بر جامعه قرن هفتم با نگاهی به نفثه الصدور» دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، ش ۳۰، ص ۱-۲۲.

۲. نسوی، نفثة المصدور، ص ۲۵.

3. Duygu, VII. Yü zy ldaki İslam Fetihlerinin ve Mü slü man Hakimiyetinin H ristıyan Tarih Yaz m na İzdü şü mleri, S 38.

۴. العبد یدبر و الله یقدر.

۵. سراج، طبقات ناصری، ج ۲، ص ۱۷۹.

۶. حسنی، «جایگاه امیر تیمور کورکان و سلطان یلدرم بایزید در نزد مورخان و علل و عوامل نبرد انکوریه (۸۰۴ق)»، تاریخ ایران، ش ۶۹/۵، ص ۴۹-۵۰.

7. Duygu, s 56.

به دستی بیرونی و توان مند در سرنوشت و مقدر آدمیان در میان مسیحیان، باوری ساختارمند بود.^۱

در این بین، همراه شدن برخی از حوادث طبیعی مانند زلزله، مرگ دسته جمعی یا بیماری سپاهیان، صحنه نبرد را به نظریه تقدیر شکست پیوند می داد. در میانه نبردهای عثمانی-بیزانس، زلزله ویران گر ۲۸ محرم ۷۵۵ قمری^۲ آسیبی جدی به قلعه های گالیپولی وارد کرد و باگریز ساکنان شهر، سبب سقوط این قلعه شد^۳ و اتحاد صرب ها و بلغارها را در برابر سلیمان پاشا (۱۳۱۶-۱۳۶۰م) پسر اورخان بی ثمر کرد.^۴

برداشت اعتقادی از زلزله گالیپولی که در آغاز یکی از یورش های بزرگ عثمانی به سوی بیزانس روی داد، سبب تخلیه نواحی اطراف گالیپولی شد^۵ و فرصت را فراهم کرد تا این حمله سراسری، هزیمت بخش های عمده بالکان را در پی داشته باشد.^۶

زنجیره رویدادهای طبیعی در آن دوره به این ختم نشد و در میانه سال های ۱۳۴۶-۱۳۴۷م/ ۷۴۶-۷۴۷ ق بیماری وبای سیاه در میان مسیحیان اروپا، قتل عام بزرگی به راه انداخت.^۷ این وبا از شبه جزیره کریمه شروع شد و با رسیدن به ایتالیا در سال

1. Hatzopoulos, P 115-116.

2. Nicoloudes, Bir Tarihi Olay n Aç klanmas ile ilgili Sorunlar: Gelibolu'nun Fethi ve Laonikos Chalkokondyles, s 208.

۳. در این باره، ر.ک:

Bir Tarihi Olay n Aç klanmas ile İlgili Sorunlar: Gelibolu'nun Fethi ve Laonikos Chalkokondyles, Nicolaos Nicoloudes, Çev: Ferhan K r l dökme Mollaoğlu.

4. Nicoloudes, s 208.

5. Ágoston, P 110.

6. berkat, 31.

۷. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ص ۲۷.

۷۴۷ ق/۱۳۴۷م، اروپا و بیزانس را به زانو در آورد.^۱ گفته می‌شود این وبا، یک سوم اروپاییان را به کام مرگ برد و آثار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی زیادی بر جای نهاد.^۲ بار دیگر در سال ۷۴۹ ق/۱۳۴۹م، وبا در سرزمین‌های اروپایی شیوع یافت. به دلیل هم‌زمانی این وبا با عید فصح، مسیحیان و شرکت سراسری آنان در این مراسم، شدت واگیر بالا رفت و تعداد بسیاری قربانی شدند.^۳ مشابه این بلای بزرگ، در میانه سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۳م/۷۴۵-۷۵۳ ق در شمال آفریقا و اروپا روی داد و کشتاری بزرگ را رقم زد.^۴ وبای دیگری در سال ۷۵۹ ق/۱۳۵۸م، روسیه هم پیمان بزرگ بیزانس را در نوردید و آثاری سخت بر قدرت بیزانس نهاد. وبای بعدی، سه سال بعد با نام وبای کودکان به سوی بیزانس و اروپا سرازیر شد.^۵ دوباره وبا در پاییز سال ۱۳۹۹م/۸۰۲ ق به جان اروپا و بیزانس افتاد.^۶

فلاکت متأثر از وباهای پی‌درپی، انگیزه‌ها و آرای اعتقادی را دگرگون کرد تا جایی که سرانجام توانست فرقه‌ای مذهبی را پدید آورد.^۷ به دنبال چنین شرایطی، مرگ آسان و تقدیر همه امور، ناخودآگاه به قدرتی فرابشری سپرده می‌شد، چیزی که در میان گفته‌های مردم همان عصر، گواهان فراوانی دارد.^۸

1. İstek, Great plague in Europa and religious factor in plague (the sample Vienna), s 174.

2. Genç, Kara Ölü m: 1348 Veba salg n ve ortaçağ avrupas nda etkileri, s 123.

3. Emrah, s 177.

۴. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم.

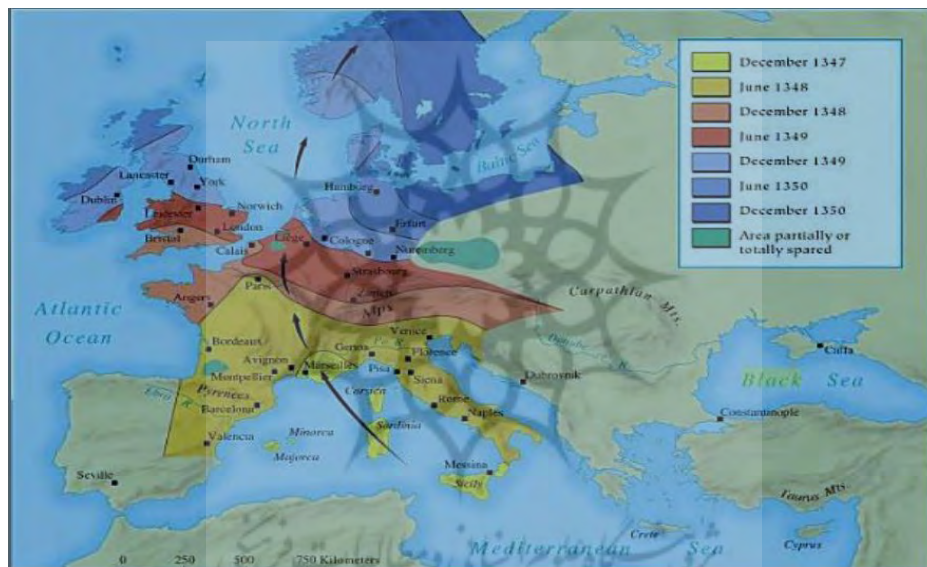
5. Emrah, s 175.

۶. همان، ص ۱۷۸.

۷. همان، ص ۱۸۵.

۸. همان.

در این سوی؛ یعنی در جهان اسلام، باور به تقدیرگرایی، بستری فراخ داشت. چنان که برخی با برداشتی آزاد از اندیشه‌های عیسویان، صوفیه را وارد کننده این اعتقاد در جهان اسلام می‌دانستند^۱ و لشکر صوفیان همراه عثمانی، خود می‌توانستند به این گفتمان دامن بزنند.^۲ در این بحث‌ها، عده‌ای میان تقدیرگرایی اسلامی و مسیحی، تفاوتی بنیادین می‌دیدند و نوع اسلامی آن را برگرفته از باورهای دهریه می‌دانستند. در حالی که در تقدیرگرایی ارتدکسی، بار گناهان خلاق بر دوش تقدیر بود نه دهر.^۳



نقشه پراکندگی و شیوع وبا در قرن هشتم هجری^۴

1. Source, Capitalism and the Weber Theses Author(s), p 240.
2. Hoodbhoj, Islam and Science Islam and Science, Religious Orthodoxy and The Battle for Rationality, p50.
3. Vaness, İslam dini dü şü ncesinde septis zm, p 5.
4. Genç, s 128.

۷. نظریه رواداری در اندیشه حاکمان دوران تکوین دولت

رواداری به معنای پذیرش تفاوت‌ها و فراوانی در بردباری، برخلاف واژه تسامح، نوعی ساده بینی و آسان‌گیری از آن به دست می‌آید^۱ که برخی آن را به معنای اغماض و ترک آنچه مایل هستند رها شود، تعبیر می‌کنند.^۲ این واژه می‌تواند، معنایی سیاسی و دولتی در خود داشته باشد و آن، حفظ ارکان حکومت با سهل‌گیری بر زیر دستان و به ویژه غیر هم‌کیشان است.

در دولت عثمانی، دسته بندی خاص این رفتار دینی - سیاسی سبب تمایز سبک مدارای این دولت از دیگر دولت‌ها می‌شد. با این توضیح، به طور کلی می‌توان سهل‌گیری در عهد تکوین دولت عثمانی را به سه شاخه تقسیم کرد:

۷-۱. اندیشه‌های مذهبی

بررسی انگیزه تساهل^۳ امیران آغازین این دودمان، نگاه سطحی ایشان به حدود شرعی و تسامح دینی - قومی عثمانیان را نسبت به ادیان و اقوام ساکن در سراسر قلمروی خویش نشان می‌دهد. رفتار عثمان، مؤسس این سلسله در تغییر بخشی از سنت‌های بی‌زانی، شایسته درنگ است. یکی از آنها، دگرگونی در سنت سرف به عنوان رسم دینی بی‌زانس بود که بر اساس آن، کشاورز مسیحی هر ملک اربابی که موروثی بود، نمی‌توانست بدون اجازه ارباب زمین‌دار، ملک اربابی را ترک کند.^۴

۱. جوهری، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۱، ص ۳۷۶.

۲. مطرزی، المغرب فی ترتیب المعرب، ج ۲، ص ۱۱۴؛ مدنی، الطراز الاول، ج ۴، ص ۳۷۱.

۳. برای این واژه معادلی چون آسان‌گیری و ساده نگری در برخی از کتاب‌ها دیده می‌شود، اما حقیقت آن است که تسامح نوعی نادیده پنداشتن است نه ساده نگری. چه آن‌که در واقع تسامح چیزی نبود جز نادیده گرفتن حدود شرعی و چرباندن سیاست دل‌خواهانه بر قوانین شریعت.

۴. علم الهدی، شالوده ی مسیحیت از پیدایش تا گسترش، ص ۲۰۰.

در این هنگام، اقلیت سریانی‌های بی‌زانس، لشکر عثمانی را ارتش آزادی بخش می‌دانستند.^۱ دیگر قانون ظلم آمیز، قانون دُشان^۲ نام داشت که بر اساس آن، پادشاه صرب دهقانان را وادار می‌کرد، دو روز در هفته برای ارباب خود کار کنند.^۳ عثمانیان با تغییر این قانون، رعایا را ملزم می‌کردند، تنها سه روز در سال در زمین‌های سپاهی کار کنند.

عثمانیان در کنار توجه به مسیحیان، موجودیت کلیسای ارتدکس را به رسمیت شناختند و به صورت اصولی به سرکوب کلیسای کاتولیک در سراسر قلمرو خود پرداختند که خرسندی ارتدکس‌ها و التیامی بر کینه‌های کهن میان ایشان بود.^۴ عثمانیان آگاه بودند با پی‌گیری سیاستی آشتی‌جویانه در برابر مسیحیان می‌توانند قلمرو خود را آسان‌تر گسترش دهند و منابع مالی خود را افزایش دهند.^۵ با این همه، در دولت عثمانی رسم بود با فتح هر ناحیه، عزل و نصب کشیشان مسیحی را دولت انجام دهد.^۶

۲-۷. روحیه ایلیاتی (ترکی)

ترکان تعصب دینی خاصی را پی‌جویی نمی‌کردند؛ زیرا کوچ سراسری این قوم به سمت آناتولی، در حقیقت پی‌گیری زیست بومی جدیدی بود تا هجرتی الهی.^۷ رسوم ترکی

1. Duygu, s 45.

2. Dushan.

۳. اینالچق، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ص ۱۵.

۴. همان.

۵. همان.

۶. مولند، جهان مسیحیت، ص ۲۶.

7. turan, s 76.

مدت‌ها در میان عثمانیان رواج داشت. اورخان با آن‌که شهرهای زیادی را گشود، اما با زندگی در خیمه‌های ترکی در حاشیه پایتخت خویش، سنت چادرنشینی ترکان را حفظ می‌کرد.^۱

یک دیدگاه معتقد است تا زمانی که اهل ذمه، حکومت اسلامی را به رسمیت می‌شناختند و به جای انجام خدمات نظامی، جزیه می‌پرداختند حکومت اسلامی موظف بود از جان، مال و مذهب آنان حمایت کند. بنابراین، شماری از مسیحیان بالکان برای این که از مزایای مذهب رسمی کشور برخوردار شوند یا برای این‌که از گروه‌های اقلیت مذهبی، مانند بوگومیل‌ها^۲ خارج شوند به اسلام گرویدند.^۳

این رفتار عثمانیان، پرده از نوع نگاه اسلام به ادیان شایع در آناتولی؛ یعنی مسیحیت و یهودیت برمی‌داشت.^۴ در حقیقت، زندگی ساده کوچ‌رو و تلاش برای یافتن چراگاه‌های بهتر در کنار مذهبی نه چندان شریعت مدار^۵ به همراه ساختار ساده درون قبایلی، هرگز در قوانین ترکی نمی‌توانست دارای چارچوب‌های خیلی پیچیده‌ای باشد. برداشتی ساده و همه پسند از دین، آن چیزی بود که عثمانیان به عنوان یک قبیله ترک کوچ‌رو، همه مؤلفه‌های آن را در خود داشتند.

ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی

۱. قلقشندی، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، ج ۵، ص ۳۴۸.

۲. بوگومیلیسم به سبب مؤسسش، بوگومیل نام‌گذاری شده است. نامی که به معنای دوست خدا یا محبوب خدا است. وی کشیش یک روستا در کوه‌های مقدونیه بود که در زمان سلطنت پیتر (۹۲۷-۹۶۸ م) زندگی می‌کرد.

۳. شاه، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ج ۱، ص ۵۱.

4. kazici, s 63-83.

۵. شمنیزم.

جالب آن که برخی از سنت‌های شمنیزم در عصر حاضر نیز در میان ترکان حضور آشکاری دارد. بر اساس پاره‌ای از پژوهش‌ها، پیشینه رفتارهای آیینی بکتاشیه و علویان^۱ به طور تقریبی، اندیشه‌های شمنی است.^۲ از سوی دیگر، ترکمن‌های مناطق مرزی، سیمای بیرونی اسلام را درک کرده بودند و تحت تأثیر معنوی باباهای ترکمن قرار داشتند که از علوی‌ها بودند. آنان به دوگانگی معنا در ملت و امت باور داشتند.^۳

بنابراین، روش امیران عثمانی در تقسیم قدرت، نیم‌نگاهی به قوانین ترکی بود. در این روند کافی بود، دیگران حکومت ترکان را بپذیرند. این امر در قاموس سیاسی ترکان به ایلی یا ایل شدن شناخته می‌شد. گویا طبق این سیاست تسامح، مراد اول (۱۳۶۲/۱۳۸۹م) در راستای تقسیم قدرت میان بیگ‌های وفادار، حکومت جنوب مقدونیه را به اورانوس واگذار کرد.^۴

۸. اندیشه‌های صوفیانه

سوی دیگر سکه تسامح را به خوبی در علمکرد نیم‌صوفیانه عثمانیان می‌توان دید. در واقع، صوفی‌گری نوعی درون‌گرایی متسامح بود تا شریعتی قانون‌مند. صوفیه با عثمانی، پیوند عمیقی بنیان نهاده بود تا جایی که پدر همسر عثمان، اده بالی یکی از بزرگان صوفیه عثمانی بود.^۵

۱. دورسون، پی دین و سیاست در دولت عثمانی، ص ۱۶۸.

۲. Şener, Şamanizm, s 72.

۳. Ery Imaz, s17.

۴. berkat, s 41.

۵. ر.ک:

Öngören, Reşat, Osmanlılarda tasawuf, izyan c 1 k, 2016.

جریان صوفیه و طریقتی‌ها در قلمروی عثمانی به عنوان داعیان تساهل‌گرا، در سیمای فرقه‌هایی چون خلوتیه، نقشبندیه، بایرامیه، زینیه در تراز جمعیتی گسترده و خرده فرقه‌های کبروش، قدیری، سمرقندیه و شازعلیه رتبه‌بندی خاصی در انتشار رواداری عثمانی ارائه می‌کردند.^۱

البته، پیش از آغاز کار عثمان غازی، هواداران صوفیه از شاخه‌های پیروان، اوحدالدین کرمانی (۵۶۱-۶۳۵ق)، محی‌الدین عربی (۵۶۰-۶۳۸ق)، نجم‌الدین داعی (د ۶۱۸ق)، آخی اوران (۵۶۶-۵۹۹ق)، صدرالدین قونوی (۶۰۷-۶۷۱ق)، جلال‌الدین رومی (۵۸۶-۶۵۲ق)، فخرالدین عراقی (۵۹۲-۶۸۸ق) و مؤید‌الدین جندی (۷۰۰ق) در آناتولی پراکنده بودند.^۲

به ویژه، تعالیم صوفیانه قونوی که نمونه‌ای از آن در *نفحات الالهیه* دیده می‌شود، به تنهایی در بخش نامه‌های او به یارانش، یک رساله مرشدانه بود.^۳ این جماعت صوفیان تکیه نشین، با پیوند رفتار طریقتی خود به مفهوم جهاد، ضمن شرکت در پیکارهای عثمانی، مفهومی مقدس به آنها هدیه می‌کردند. مشارکتی که در آخر برای آنها می‌توانست منزل نویی را از میان متصرفات به ارمغان آورد و خانقاه جدیدی با اقطاع ارزشمندی در حکومت عثمانی تأسیس کند.^۴ در این دوره، بکتاشی‌ها گروه قدرت‌مند دیگری با آدابی نزدیک به صوفیه با جمعیتی قابل ملاحظه، همراه با عثمانی در کانون توجه قرار داشتند.^۵

۱. ر.ک: همان.

2. Gü ndü z, s 5-6.

۳. ر.ک: صدرالدین قونوی، *نفحات الالهیه*.

۴. همان، ص ۸.

۵. همان، ص ۱۰.

۹. منش رواداری در رفتار امیران دوره تکوین دولت

برخی از مورخان معاصر می‌کوشند رفتار عثمانیان با اهل کتاب را با این روایت مشهور تفسیر کنند که حکومت با کفر باقی می‌ماند نه با ظلم.^۱ به نظر می‌رسد این سخن، ساخته نویسندگان متأخر است.^۲ عثمانی‌ها بر مبنای قاعد حسن هم‌جواری با تصرف هر ناحیه، کارمندان پیشین بیزانسی فعال در آن ناحیه را دوباره به کار می‌گماردند.^۳

البته، شانس دیگر عثمانی‌ها این بود که درگیری‌های کاتولیک- ارتدکسی سبب شد ارتدکس‌های تهدید شده به وسیله کاتولیک‌ها، زندگی زیر نظر عثمانی‌ها را بهتر بپسندند.^۴ قوانینی که عثمانیان در بالکان، جای‌گزین قوانین استیفان دوشان^۵ (۱۳۳۱/۱۳۵۵م) پادشاه صرب‌ها کردند از سوی مسیحیان مورد استقبال فراوان قرار گرفت^۶ و این به معنای پذیرش سلطه سیاسی عثمانی بود.

در حقیقت دینی که عثمانی‌ها بر اساس آن عمل می‌کردند؛ یعنی همان اسلام صوفیانه از تسامح بالایی برخوردار بود که می‌توانست با سازوکار اداری اسلامی، به سرعت مناطق تحت نفوذ را با ساختار جدیدی اداره کند.^۷ پیوندهای اداری سلجوقیان و بیزانس، طی سال‌ها هم‌جواری به نوعی الگو برداری دو طرفه و نسخه رفتارهای عثمانی را نشان

1. Ery Imaz, Osmanlı Devletinde Gayrimüslim Tebaanın yönetimi, s 26.

۲. همان.

3. Uzunçarşılı, Osmanlı Tarihi. cilt.4. s 182-183.

۴. همان.

5. Jstefan dušanç.

6. Ery Imaz, 27.

۷. ابوزیدون، تاریخ الامبراطوریه العثمانیه من التأسيس الی السقوط، ص ۲۷.

می دهد.^۱ این نکته مشهور بود که عثمانی‌ها با مسیحیان شهرهای تازه مفتوح، بسیار متسامحانه برخورد می کردند.^۲

رفتار دیگری که اهل کتاب را به خدمت عثمانیان تشویق می کرد، امنیت جانی و مالی آنها بود که حتی مسیحیان را به فرمان بری از ایشان فرا می خواند.^۳ این رویکرد تسامحی عثمانی در سده‌های بعد با شکل دهی مفهومی نو به نام ملت عثمانی کوشید همه مذاهب و ادیان را زیر پرچم خود گرد آورد.^۴ شخصیت پردازی مورخان از عثمان غازی و گزارش‌ها درباره احترام او به مسیحیان^۵ و شبیه دانستن او به پدرش ارطغرل در این امر، حکایت از فضای گفتمانی عثمانی دارد.^۶

بر اساس یک گزارش، هنگامی که عثمان بازار اسکی شهر را بنا کرد و رونقی به آن بخشید، غیرمسلمانان و امیرنشین‌های اطراف در این بازار به گرمی پذیرفته شدند.^۷ او در نظام قضایی اولیه عثمانی و اعلام فرمان حسن هم‌جواری با اهل کتاب می کوشید، رضایت ایشان را از دست ندهد.^۸ جدای از میزان درستی این گزارش‌ها، این روند به تدریج، او را در میان اهل کتاب بر سر زبان انداخت. او در فرمانی در این باره می گوید:

همان گونه که در زمان ورود ما به این منطقه، اینان (مسیحیان) با ما به احترام

1. Özcan, ortaçağda anadolunun idari coğrafyas na bak ş anadoluda selçuklu idari birimleri, s 86.

۲. همان.

3. Köprü lü , osmanl devletinin kuruluşu, s 78.

4. Yetişgin, The Ottoman Way of Governing Multi-Ethnic and Multi-Religious Communities, p. 141.

5. Ery Imaz, 27.

6. Neşri, neşri Tarihi, s 45.

7. Gü rü n, Tü rkler ve Tü rk Devletleri Tarihi, s 460- 461.

8. Ery Imaz, 27.

برخورد کردند. اکنون بر ما است که با ایشان به حسن هم‌جواری رفتار کنیم.^۱

افزون بر آن، ماجرای قضاوت او به نفع یکی از شهروندان روم تبار در بازار ترک‌های گرمیان^۲ سبب پیچیدن آوازه او در میان مسیحیان شد. اگر این سخن را تنها در حد یک شایعه بدانیم، باز هم نشر این سخن پراکنی‌ها سبب می‌شد بازارهای منطقه عثمان غازی، مملو از شهروندان مختلفی باشد که به امید سود بیشتر به آن جا رو می‌آوردند.^۳

گزاره‌های تاریخی درباره منش عثمان پس از فتح شهرهای یارحصار، اینه‌گل، بیلجک، ینی شهر از او شخصیتی آسان‌گیر ترسیم می‌کنند، زیرا او هرگز به جابه‌جایی قومی - دینی اهل کتاب فرمان نداد.^۴ برخی معتقدند، سهل‌گیری او سبب امنیت فراگیر در قلمروی تحت فرمانش گردید و شماری از مردمان غیر عثمانی، شهروندی عثمانی را ترجیح دادند و به این سرزمین کوچ کردند.^۵

بنابر این سیاست، فتح بورسا هرگز نیازمند توان کامل نظامی عثمانیان نشد^۶ و امپراتور بیزانس حاضر گردید پس از محاصره طولانی، بورسا را در برابر سی‌هزار فلور به اورخان وانهید.^۷ در این باره از وزیر بیگ نقل می‌شود که می‌گفت:

۱. همان، ص ۲۸.

۲. گرمیانی‌ها یکی از شاخه‌های ترک‌های اغوز از تیره افشار بودند که نخست در اطراف ملتیه دیده شدند. آنها در آغاز در خدمت جلال‌الدین خوارزمشاه بودند و بعدها به سوی غرب کوچیدند و وارد کوتاهیه شدند.

۳. همان.

۴. Von hammer, Osmanlı Tarihi, 1. Cilt, Milliyet Matbaas, İstanbul, 1966 ; Chadwick, The Byzantine Empire, s 3.

۵. Ery Imaz, s 28.

۶. همان.

۷. همان.

۸. Neşri, s 67.

۹. Ekrem, Reşat, osmanlı muahedeleri ve kapitülasyonlar 1330-1920, s 7.

ما اطاعت کردن از شما را سبب راحتی می‌دانیم و ما هم هوس این راحتی

را کردیم.^۱

به ضمیمه گزارش‌های پیشین می‌توان به شماری از گزارش‌های تاریخی اشاره کرد. به عنوان نمونه، عثمان برای همسایگان غیر مسلمانش، هدایایی ارسال می‌کرد.^۲ پسرش، اورخان در فتح بورسا نسبت به یهودیان و مسیحیان، ملاحظت به خرج داد و اماکن دینی ایشان را برپا نگاه داشت.^۳ در واپسین وصیت عثمان به پسرش در این باره توصیه شده است:

همه کسانی که تحت امر تو هستند را خوش دار و با اهل کتاب به داد

رفتار کن.^۴

با این حال، عثمانی‌ها هرگز از فرصت‌های فتوحات نگذشتند و با این دقت، محدوده وسیعی را به زیر فرمان درآوردند.^۵ درست در برابر این دیدگاه، یک نظریه دیگر معتقد است که دوره عثمانی، عصر محافظه کاری شدید کلیسای ارتدکس شرقی بود؛ زیرا جامعه ارتدکس از تساهل و تسامح رهبران مسلمان برخوردار بودند، اما با آنان، مانند شهروندان درجه دوم رفتار می‌شد و امکانات مطالعه و نشر کتاب اندک بود. از این رو، آنان موضعی دفاعی اتخاذ کرده بودند.^۶

1. Neşri, s 68.

2. Neşri, s 51-52.

3. Ery Imaz, s 28.

۴. همان، ص ۲۹.

۵. همان.

۶. ویر، «مسیحیت شرقی؛ تحولات تاریخی»، هفت آسمان، ص ۱۳۲.

۱۰. برآیند

قلمروی این پژوهش، روزگار تکوین دولت عثمانی؛ یعنی سده نخست این حکومت است که فرمان‌روایی این سلسله در چهار مرحله از یک بیگ نشین ترکی به دولتی پرگستره تبدیل شد. جامعه‌شناسی اعتقادی و سیاسی آن دوره و فهم قوانین نانوشته در چگونگی گسترش آسان قلمروی عثمانی برای یک پژوهش‌گر عثمانی مهم است. دو نظریه تقدیرگرایی و رواداری در کنار یکدیگر، شرایط بسیار مناسبی برای بسط آسان قلمرو به عثمانی بخشیدند.

بستر تقدیر باوری بیزانس که برآمده از پیشینه این گفتمان در بیزانس و پذیرش روحیه تقدیرگرایی در کلیسای روم شرقی بود، فضای مناسبی را برای رشد سرنوشت باوری فراهم کرد. این مجموعه در کنار شکست مسیحیان در جنگ‌های صلیبی و زنجیره بلاهای طبیعی، مانند زلزله و وبا، زمینه را برای گسترش عثمانی در جبهه بیزانس فراهم نمود، اما در جبهه عثمانی، رواداری امیران دوران تکوین، بر اساس نظریه تسامح در قالب زندگی ایلیاتی و باورهای صوفیانه، قوس صعودی عثمانی را از خاندانی ترکی به سمت دولتی اسلامی ترسیم کرد.

پیشنهاد می‌شود از باب چیرگی پژوهش در عثمانی که دست‌آوردی از اندیشه‌های سیاسی بر مبنای تأملات اسلامی- قومی، رفتار فرهنگی، کانونی ادبی و میراث مکتوبی اسلامی را یکسره به ضمیمه تاریخ شفاهی خلافت، تنها با فاصله یک نسل در اختیار ما قرار می‌دهد، پژوهش‌های تطبیقی میان ایران و عثمانی در صدر کارهای مطالعاتی پژوهش‌گران تاریخ قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابوزیدون، ودیع، تاریخ الامبراطوریه العثمانیه من التأسيس الی السقوط، عمان: الاهلیه، ۲۰۰۳ م.
۳. اخوان، محمد، «حرکت و اخلاق در فلسفه رواقی»، اندیشه نوین دینی، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، شماره ۶ و ۷.
۴. اینالجباق، خلیل، امپراتوری عثمانی: عصر متقدم، ترجمه کیومرث فرقلو، تهران: بصیرت، ۱۳۸۸.
۵. بریه، امیل، تاریخ فلسفه: دوره انتشار فرهنگ یونانی و دوره رومی، ترجمه علی مراد داودی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۴.
۶. حسنی، عطاء الله، «جایگاه امیر تیمور کورکان و سلطان یلدرم بایزید در نزد مورخان و علل و عوامل نبرد انکوریه (۸۰۴ق)»، تاریخ ایران، زمستان ۱۳۹۰-بهار ۱۳۹۱، شماره ۶۹/۵.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۳۷۶ق.
۸. خوشقانی، ندا و علیزمانی، امیر عباس، «سرگذشت انسان از اختیار تا نجات (بررسی تطبیقی اختیار انسان از دیدگاه ایرناتوس و ترتولیان)»، الهیات تطبیقی، سال اول، پاییز ۱۳۸۹، شماره ۳.
۹. دوران، ویل، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران: علمی و فرهنگی، [بی تا].
۱۰. دورسون، داود، دین و سیاست در دولت عثمانی، ترجمه منصوره حسینی و داود وفایی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱.
۱۱. رسول زاده، عباس، جواد باغبانی، شناخت مسیحیت، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
۱۲. رفیعی، تیمور، «علل سیاسی بروز جنگ آنقره (۱۴۰۲/۸۰۴) میان امیر تیمور گورکانی و ایلدرم بایزید عثمانی»، تاریخ، تابستان ۱۳۸۵.
۱۳. زیبایی نژاد، محمد رضا، مسیحیت شناسی مقایسه‌ای، تهران: سروش، ۱۳۸۲.
۱۴. سراج، منہاج، طبقات ناصری، تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.
۱۵. شاول، استانفورد جی، تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۰.
۱۶. شرف، عبدالرحمن، تاریخ دولت عثمانیه، استانبول: قره‌بت مطبعه‌سی، ۱۳۱۵ق.
۱۷. شرفی، محبوبه، «بازتاب اندیشه مشیت الهی در تاریخ نگاری عصر ایلخانی»، جستارهای تاریخی، سال چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، شماره ۲.
۱۸. گراث، لیستر مک، درآمدی بر الهیات مسیحی، ترجمه عیسی دیباج، تهران: کتاب روشن، ۱۳۸۵.

۱۹. گندمی نصرآبادی، رضا، «نگاهی نوبه دیدگاه ترتولیان درباره ایمان و عقلانیت»، فلسفه دین، دوره دهم، بهار ۱۳۹۲، شماره ۱.
۲۰. علم الهدی، سید محمد، شالوده‌ی مسیحیت از پیدایش تا گسترش، تهران: آما، ۱۳۹۲.
۲۱. غفاری، نازنین، احمد امیر خراسانی، «تأثیرات روانی هجوم مغول بر جامعه قرن هفتم با نگاهی به نقشه‌الصدر متن شناسی ادب فارسی»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، دوره جدید، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲.
۲۲. فرج نژاد، فرهنگ و زهرا، محمد نوید بازرگان، «بررسی عنصر تقدیرگرایی در شاهنامه فردوسی و حماسه‌های مذهبی»، پژوهش نامه ادب حماسی، سال نهم، پاییز و تابستان ۱۳۹۲، شماره ۱۶.
۲۳. فلاح زاده، احمد، «روند شکل‌گیری عثمانی در روزگار تکوین (۷۱۶-۸۰۴ ق)؛ از غازی‌گری تا دولت یابی»، تاریخ اسلام، دوره ۱۹، زمستان ۱۳۹۷، شماره ۷۶.
۲۴. قلقشندی، احمد بن عبدالله، صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء، تحقیق محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
۲۵. لاجوردی، فاطمه، «بررسی مبانی اعتقادی و آئینی در کلیسای ارتدکس»، مبانی فقهی حقوق اسلامی، سال دوم، پاییز ۱۳۸۴، شماره ۵.
۲۶. مدنی، علی خان بن احمد، الطراز الاول، مشهد: موسسه آل‌البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۸۴.
۲۷. مطرزی، ناصر بن عبدالسید، المغرب فی ترتیب المغرب، حلب: مکتبه اسامه بن زید، ۱۹۷۹ م.
۲۸. مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران: مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۶۸.
۲۹. نسوی، شهاب‌الدین، نفثة المصدور، تهران: توس، ۱۳۸۵.
۳۰. نوایی، عبدالحسین، اسناد و مکاتبات تاریخی از تیمور تا شاه‌اسماعیل، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۵۳۶.
۳۱. واله قزوینی اصفهانی، محمد یوسف، خلد برین، تحقیق میرهاشم محدث، چاپ دوم، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
۳۲. ویر، کالیستوس، «مسیحیت شرقی؛ تحولات تاریخی»، ترجمه حمید بخشنده، هفت آسمان، ۱۳۸۲، شماره ۲۰.
33. Ágoston, Gábor, Bruce Masters, Encyclopedia of the OTTOMAN empire, usa, Copyright © 2009.
34. Arda, Şebnem, Judith Herrin, Bizans, Bir Ortaçağ İmparatorluğunun Şaşırtıcı Yaşamı, Çeviren: Uygur Kocabaşoğlu, İletişim Yayınları, İstanbul, 2010.

35. Ay, Resul ,Bizans'tan Osmanlıya Anadolu'da Heterodoks İnanışlar: 'Öteki' Dindarlığın Ortak Doğası Üzerine (650–1600), Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi, Sayı:31.
36. Bayraktar, elif, The Implementation of ottoman religious policies in Crete 1645-1735: men of faith as actors in the kadi court, the department of history BILKENT UNIVERSITY ANKARA, September 2005.
37. Berkat, cdrseehalil ve bogdan murgescu, Osmanlı imparatorluğu, çeviren hasan tahsin özkaya, selanik , 2008.
38. Chadwick, William and Oman, Charles, The Byzantine Empire, October 14, 2011 [Ebook 37756].
39. Daş, mustafa, saint-denis ruhbanının kroniği adlıfransız kaynağına göre niğbolu savaşı, tarih incelemeleri dergisi, sayı 1, temmuz 2012.
40. Demetra, George, Manuel I Komnenos and Michael Glycas: ATwelfth-Century Defence and Refutation of Astrology.
http://demetrageorge.com/Translation_Manuel_Kommenos.pdf
41. Drury ,neville, Şamanizm, şamanlığın öğeleri, çeviren erkan şimşek, okyanus.
42. Duygu, Zafer, VII. Yüzyıldaki İslam Fetihlerinin ve Müslüman Hâkimiyetinin Hıristiyan Tarih Yazımına İzdüşümleri, Artuklu Akademi | Journal of Artuklu Academia 2014/1.
43. Ekincikli, Mustafa, Türk ortodokslar, siyasi kitabevi, Ankara, 1998.
44. Ekrem ,Reşat, osmanlı muahedeleri ve kapitülasyonlar 1330-1920 ,ve lozan muahedesi 24 temmuz 1923, muallim ahmet halit kitabhanesi ,istanbul, 1943, türkiye matbaası.
45. Eryılmaz ,Bilal, Osmanlı Devletinde Gayrimüslim Tebaanın yönetimi, İstanbul, Risale.
46. İstek, Emrah, Great plague in Europa and religious factor in plague (the sample Vienna), TAD, C. 36/ S. 62, 2017, s. 173-204.
47. Inan, Abdülkadir, Tarihte ve bugün şamanizm Materyaller ve araştırmalar, Ankara, Türk tarih kurumu basımevi, II.Baskı, 1972.
48. İtzkowitz, norman, Osmanlı imparatorluğu ve islami gelenek, türkçesi:ismet özel, çıdam yayınları.
49. Genç, Özlem, kara ölüm: 1348 veba aslgini ve ortaçağ avrupasına etkileri, Tarih Okulu, Mayıs - Ağustos 2011, Sayı X.
50. Gençer, nazlı, 93 Harbi'nde edirne ve çevresi, Tez danışmanı, DR. Sabri Can Sannav, Edirne, 2011.
51. Gündüz, irfan, osmanlılarda devlet-tekke münasebetleri, seha neşriyat a.s.
52. Gürün, Kamuran, Türkler ve Türk Devletleri Tarihi, Bilgi yayınevi. 2. Baskı, Ankara, 1984.
53. Hatzopoulos, Marios, Oracular prophecy and the politics of toppling ottoman rule in south-east Europe,
54. https://www.academia.edu/1152432/Oracular_Prophecy_and_the_Politics_of_Toppling_Ottoman_Rule_in_South-East_Europe.14/3/2016

- 55.Hoodbhoy, Pervez, Islam and Science Islam and Science, Religious Orthodoxy and The Battle for Rationality, London, USA, 1991.
- 56.Hussey, Joan Mervyn, The Orthodox Church in the Byzantine Empire, New York: Oxford University Press, 1986.
- 57.Kurtaran, Uğur, Bir imparatorlu İR İmparatorluğun doğuşu osmanlı kuruluş dönemi, Gümüşhane Üniversitesi Sosyal Bilimler Elektronik Dergisi, Sayı 5, Ocak 2012.
- 58.Kazıcı, Ziya, Osmanlı devletinde din ve hukuk, istem, yıl:1, sayı, 2003.
- 59.Köprülü, Fuad, osmanlı devletinin kuruluşu, Türk Tarih kurumu yayını, 2. Baskı, Ankara, 1984.
- 60.Meyendorff, John, Excerpts from“Byzantine Theology”Historical trends and doctrinal themes:
http://www.abbaziagreca.it/en/documents/collection/byzantine_theology.pdf
14/3/2016.
- 61.Neşri ,Mehmet, neşri Tarihi, (haz.m.altay köymen), Külür ve Turizm bakanlığı yayınları, No:525.Ankara-1983.
- 62.Nicoloudes, Nicolaos, Çev: Ferhan Kırıldökme Mollaoglu, Bir Tarihi Olayın Açıklanması ile ilgili Sorunlar: Gelibolu'nun Fethi ve Laonikos Chalkokondyles, Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Tarih Bölümü Tarih Araştırmaları Dergisi, 2009 Sayı: 44, Cilt: 27, Yayınlandığı Sayfalar.
- 63.Özcan, korya, ortaçağda anadolunun idari coğrafyasına bakış anadoluda selçuklu idari birimleri, coğrafi bilimler dergisi, 2005 .
- 64.Öztürk, Yücel, Timar-Thema Teriminin Ortaya Cıkması, Bizans Uygulaması ve Osmanlı ile Mukayesesi , OTAM, 31/Bahar 2012.
- 65.öngören, Reşat, Osmanlılarda tasawuf, anadoluda süfiler,delet ve ulema(xvi. Yüzyıl), istanbul, iz yayıncılık.
- 66.Şener, Cemal, Şamanizm, AD yaylık kitaplar dizisi,mart 1997 1.baskı.
- 67.Sanchez –Escobar, Angel Francisco, history and praxis of eastern orthodoxy, a textbook, Winston-Salem, 2008.
- 68.Seidler, G. L., Bizans Siyasal Düşüncesi, Çeviren *Mete Tunçay*, Ankara universitesi, yasal bilgiler fakültesi yayınları, n 450.
- 69.Simion, Marian Gh, Seven factors of ambivalence in defining a just war theory in eastern Christianity. <http://revistateologica.ro/vechi/pdf/5>.
- 70.Ruiu, Gabriele, Is fatalism a cultural belief? Anempirical analysis on the origin offatalistic tendencies, Online at <https://mpr.ub.uni-muenchen.de/41705/mpra> Paper No. 41705, posted 18. October 2012 .
- 71.Turan, Osman, selçuklar tarihi ve türk –islam medeniyeti,ikinci baski,istanbul,1969.
- 72.Turner Source, Bryan S, Islam, Capitalism and the Weber Theses Author(s): The British Journal of Sociology, Vol. 25, No. 2 , Jun, 1974.

73. Uyar, Mesut and Edward J. Erickson, A Military history of the ottomans From Osman to Atatürk, greenwood, British Journal of Sociology, Vol. 25, No. 2 (Jun., 1974), pp. 230-243.
74. Uzunçarşılı, İsmail hakkı, Osmanlı Tarihi. cilt.4.baskı. Türk Tarihi kurumu basımevi, Ankara, 1982.
75. Vaness, Josef, İslam dini düşüncesinde septisizm, Çev: Murat memiş. D.E.Ü. İlahiyat Fakültesi Dergisi, Sayı XXII, İzmir :2005.
76. Vanhaelen, Maude, Liberté, astrologie et fatalité: Marsile Ficin et le De fato de Plotin.
https://www2.warwick.ac.uk/fac/arts/classics/staff/vanhaelen/publications/article_accademia_vii.pdf.
77. von hammer, Joseph, Osmanlı Tarihi, 1. Cilt, Milliyet Matbaası, İstanbul, 1966.
78. Yalduz, Alparslan, Konsillerin Hristiyanlık Tarihindeki Yeri ve İznik Konsili, T.C. uludağ üniversitesi, ilahiyat fakültesi, Cilt: 12, Sayı: 2, 2003, s. 257-296.
79. Yamanwr, Onur, Bizans ikonakırıcılığı üzerinde bir inceleme III. leon ve ikonakırıcılık, akademik bakış dergisi, sayı 29, mart- nisan 2012.
80. Yetişgin, Memet, The Ottoman Way of Governing Multi-Ethnic and Multi-Religious Communities, Osmanlı Tarihi Araştırma ve Uygulama Merkezi Dergisi OTAM, 2007, Sayı: 21, s 1-18.

